

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### وصیت نامه سردار شهید قاسم میر حسینی

بار خدایا...

بار خدایا به یگانگی ات و اینکه شریک و همتایی برایت نیست و معبود واقعی هستی شهادت می دهم. بار خدایا به پیامبر خاتمت حضرت محمد (ص) که فرستاده و رسول توست شهادت می دهم و به اینکه حضرت علی (ع) پیشوا و امام اول شیعیان است و اینکه قیامت و محشر روز رستا خیز حق است شهادت می دهم. بار خدایا به اینکه نظام جمهوری اسلامی به رهبری امام عزیز حق است و جنگ عراق علیه ایران به ما تحمیل شده و امروز فرزندان برومند ملت ما ایثارگرانه از تمامیت ارضی، اسلامی، عقیدتی و مکتبی خود دفاع می کنند شهادت می دهم.

شاید مشیت حضرت داور براین باشد که توفیق شهادت پیدا کنم. مع ذالک بد نیست این جملاتی که برگرفته از عقاید می باشد بر روی کاغذ مکتوب کنم. به هر حال به خداوند و فضل و رحمتش چشم امید دوخته ام نه به بضاعت و توشه خویش و خدا گواه است توشه ای ندارم.

مدتی در جنگ بودم که شاید بهار عمرم محسوب شود و در کنار وارسته ترین فرزندان این امت، قسمتی از عمرم را سپری کردم که نعمت بسیار بزرگی بود. بسیجیانی که جز خدا نمی دیدند و جز طریقت خدایی نمی پویند و آن خالصانی که با تکیه بر حقیقت توحید و معاد و عقاید و اخلاق، اعمال و حالات خود را از آلودگی ها شسته اند و جان و اعضا و جوارح خویش را به نور واقعیت تزیین کرده اند. آن کسانی که به نص کلام مولا علی (ع) دنیا را سه طلاقه کردند.

خطاب به پدر و مادرم...

پدر و مادرم! معذرت می خواهم که نتوانستم فرزند لایق و شایسته ای باشم و حق پدر فرزندی را اداکنم. هرگز زحمات و

مشقات شما را در مراحل مختلف زندگی فراموش نخواهم کرد. من در پیشگاه خداوند از شما تشکر و قدردانی می کنم. تکلیف حسینی اقتضا کرد که در جبهه حضور پیدا کنم. اگر چه از دست دادن جوان سخت است اما چون رضایت خدا بالاتر از هر چیزی است شما هم باید رضا باشید به رضای خدا. فرزندان امانتی بیش نبود، خدا امانتش را از شما گرفت، مع ذالک اندوه معنی پیدا نمی کند. من شرمنده ام وقتی به سنی رسیده ام که خود را یافتم در کنار شما نبودم تا قسمتی از خدمات بی شمار و زحمات زیادی که در جهت رشد و پرورش من متحمل شده اید ادا کنم. از تشکر و عذر خواهی کردن از زحمت ارزنده تان زیانم عاجز است و قلم قاصر؛ از شما می خواهم برایم دعا کنید خدا گناهانم را ببخشد، چون ما ادامه دهندگان راه امام حسین(ع) هستیم. یزیدیان بر ما خرده گیری کرده اند و سپس قتل عاممان نموده اند و همچون حیوانات درنده به ما حمله کردند؛ پیران و کودکان ما را کشتند؛ جوانان را تکه پاره و به زنان کهنسال و دختران خرد سال تجاوز کردند؛ یتیمان را سر بردند؛ خانه ها را سوزاندند و شهر ها را پس از غارت به ویرانه تبدیل کردند؛ یا ابا عبدالله... یاوران تو را دست بردند؛ پا قطع کردند؛ سر جدا کردند و با مواد شیمیایی بدنشان را کباب کردند ...

چون از شما پدر و مادر مهربانم در کودکی آموخته ام وقتی داستان حماسه آفرینی های کربلای حسین (ع) را برایم تعریف می کردید، تصمیم گرفتم با امام حسین(ع) بیعت کنم که یا ابا عبدالله... انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حربکم. پدرم، الگوی تو حضرت ابراهیم است. ابراهیم خود فرزندش را به قربانگاه عشق برد. تو خود مرا به جبهه روانه کردی، صبر داشته باش که خدا صابران را دوست دارد. مادرم الگوی تو حضرت هاجر است، حضرت هاجر خودش چشمان فرزندش را برای قربانی در راه خدا سرمه کشید و تو مرا از زیر قرآن برای رفتن به جبهه عبور دادی، الحق که به تمام معنی مادر بودی؛ خداوند با کسانی است که در زندگی بردبار باشند و تو هاجر وار مرا به جبهه روانه کردی .

## خطاب به برادران و خواهران عزیزم...

از برادران عزیزم که همیشه مرا هادی و راهنما بودند تشکر می کنم و عذر می خواهم که با بی ادبی و بد اخلاقی با آنها حرف زدم و آنطور که شایسته مقام برادری بود نتوانستم ادای تکلیف کنم. اگر توانستید برایم روزه بگیرید و نماز بخوانید. به برادرانم توصیه می کنم که در هر مجلس و محفلی از جنگ و انقلاب سخن بگویید؛ از مظلومیت ما در برابر ستمگران بگویید؛ از رهبری و ولایت فقیه سخن بگویید. یادتان نرود امام، ما را از اسفل السافلین به طرف اعلی علیین اوج داد. از خواهران بسیار عزیز و زحمت کشیده ام نهایت سپاسگذاری و تشکر را دارم و امید وارم مرا عفو کنند و زحمات خود را بر من حلال کنند. خواهرم الگوی تو حضرت زینب است. حضرت زینب پیامبر کربلای خونین امام حسین (ع) بود. یادت باشد زینب با یک عده یتیم و زن و کودک اسیر دشمن شد اما از هدفش باز نماند و همچنان فریاد می زد؛ خون سرد باشید و مرا دشمن شاد نکنید. فرزندان شما باید انتقام شهدا را بگیرند، به فرزندانانتان انتقام را بیاموزید.

از پدر و مادر و خواهرانم تمنا می کنم در مراسم عزاداریم شربت و شیرینی پخش کنند و غمگین نباشند. به سر و صورت نزنند و جامه پاره نکنند. از حضرت زینب باید درس بگیرید، حضرت زینب با آن همه مشکلات و آن همه جنازه ای که در روز

عاشورا شاهد بود، چنان متین و صبور بود که دشمنان را تکان می داد و سر افکنده می کرد. شما خودتان می شنوید در سرتا سر دنیا به مظلومین و مستضعفین رحم نمی کنند و در همه جا مسلمین و محرومین را سر می برند، بنا بر این خودتان را آماده کنید که اگر در مرز سراغ آنها نروید، خود سراغتان خواهند آمد. از عموها و مومنین که با آنها رابطه داشته ام برایم طلب مغفرت کنید؛ اگر در حق هر کدامتان قصوری از جانب حقیر بوده است امیدوارم مرا عفو کنید.

## خطاب به همزمان و همسرهای قدیمی، مخصوصا حاج قاسم سلیمانی...

سخنی با برادران عزیزم، همرمزها و همسرهای قدیمی، مخصوصا حاج قاسم سلیمانی، شاید مصلحت و مشیت حق بر این باشد که توفیق شهادت پیدا کنم و در این دار فانی همدیگر را وداع کنیم. لازم دیدم چند جمله به عنوان درد دل و ره آورد چندین ساله جنگ و درس هایی که حقیر گرفتم و بعضی ها را توفیق پیدا کردم به کار بندم و بعضی ها را دیر متوجه شدم یادآور شوم:

۱. در جنگ هستید هیچ برنامه ای از پیامدهای زندگی شما را در امر جنگ و برنامه ریزی های آن سست و کم مقاومت نکند.
۲. علت عمده بریدن از جنگ و فشار ناشی از آن را باید در مسئله عقیدتی و روحی پیدا کرد. نه در کمبودهای آموزشی، کادری و تجهیزاتی، برای مثال اگر به قیامت، معاد، محشر و روز رستاخیز معتقد باشیم و باور کنیم همه هست و برحق هم هست، هرگز از مرگ فرار نمی کنیم و هرگز دل به دنیا نخواهیم بست ولی چون روح ملکوتی نسبت به باورهای حضرت حق رشد کافی نکرده است و فنای در گاه عبودیت حق نگر دیده است و قدرت کافی در برابر فشارهای مادی را ندارد. همیشه دل زدگی، کدورت، نیش زبان، زخم زبان زدن و بعضا بریدن از جنگ را فراهم می آورد.
۳. هیچ چیزی را به دل راه ندهید به حدی که الله شود و جای الله اصلی را بگیرد که حضرت حق سریعا از آن دل رخت بر می بندد.
۴. راحتی های جنگ را سر همدیگر تقسیم کنید و مشکلات و سختی ها را نیز چنین کنید.
۵. رده های پایین همیشه قوت قلب رده های بالا باشند و بالایی ها، پدر و برادر بزرگ پایین ها.
۶. در پیشگاه خداوند شهادت می دهم بسیجی ها اسوه ها و سنبل رزمندگان زمان انبیا و اولیا هستند و نباید با بودن چند نفر غیر بسیجی در لباس مقدس آنان، همه را به یک چشم دید.
۷. امت حزب الله، خانواده های معظم شهدا، مفقود الاثرها و اسرا و جانبازان و سایر اقشار که ذی حق انقلاب اسلامی می باشند به حق، همراه امام و مقاوم با امام حرکت کردند و باید برادران جنگ به عنوان پیشتازان این حرکت، گرمی، نشاط، حرارت و سرعت بیشتر از بقیه داشته باشند.
۸. من حقی بر گردن هیچ کدام از شما ندارم و انتظار دارم مرا عفو کنید و از سایر برادران آشنا برایم حلالیت و عفو طلب کنید و من اگر حقی داشته باشم همه را می بخشم.

## خطاب به مسئولین رده بالا...

در پایان صحبتیم، سخنی با مسئولین رده بالا از لشکر مخصوصا برادر شمخانی دارم، که بنا به صحبت حضرت امام، منتظر نباشید تا قدرت بگیرید؛ بلکه حرکت کنید تا قدرت بگیرید. انتظار می رود با توجه به نیاز استان سیستان و بلوچستان و ارزش استراتژیکی آن با بودن کادر موجود در لشکر سرمایه گذاری شود و آنجا در قالب یگان مستقل ولی تحت امر لشکر ثارالله یا هر یگانی صلاح دیدند در جنگ خدمت کند و در راستای ارتش بیست میلیونی گامی بلند برداشته شود.

## خطاب به همسر...

همسر شرمنده ام که با سیاه کردن کاغذی سفید قلب صاف و پاکت را تسلی می دهم. شاید لحظه موعود فرا رسد و از همدیگر در این دنیا جدا شویم. مواردی را که ذکر می کنم خوب به خاطر بسپاری. تا زنده بودم نتوانستم حقی را که به گردنم داشتی آن طور که شایسته است ادا کنم و همچون سایرین زندگی عادی و معمولی و پر از عاطفه را کنار هم سپری کنیم و شاید هم این نوع زندگی میراث انبیاء الهی و اولیای عظام و کرام باشد که برایمان ارث مانده است. مع ذالک میراث گرانبهایی است که باید قدر آن را دانست.

همسر، اینک که سفر نهایی در پیش است همچون گذشته تو را به خدای متعال می سپارم زیرا او بهترین نگه دارنده و پاسدار واقعی است. همسر در همه امور بر خدا توکل کن، از تنهایی های دنیایی به او پناه برده، در ناامیدی ها از خداوند امید جوی، در مصائب و بلاها و مشکلات زندگی که گردش معمول دنیاست از صبر توشه گیر و در طریقت حضرت حق تلاشی مستمر داشته باش، به احکام خوب عمل کن و همه وقت به یاد معبود اصلی باش. همیشه منتظر باش دست عنایت غیبی خداوند بر تو سایه افکن شود؛ دنیای فانی به هیچ کس وفایی نداشته است و نهایت کمال و غایت بلندی آن فناست، فنا در خدا و رسیدن به لقای پروردگار... مرگ همه را در کام خود می بلعد و چون مرگ حتمی است؛ معقول است مرگ، مرگ حسینی باشد و زندگی در جهان هستی زمینه سازندگی و حیاط اخروی باشد و بهتر است با مرگ شرافتمندانه در پیشگاه انبیاء و اولیا و شهدا سر افکنده و خجل نباشیم.

همسر وقتی خبر شهادتم را به تو دادند استوار و ثابت قدم، زینب گونه باش و همچون او به دور از جزع و فزع پیام رسان خون شهیدان باش، شاید بعد از شهادتم احساس تنهایی و آوارگی کنی و دنیا را بر خود تیره و تار تجسم کنی؛ در آن موقع لازم است بیشتر نماز بخوانی و اوقات فراغت را با قرآن پر کرده و خود را به کار های خانه مشغول کنی؛ در رفت و آمد های زندگی و حفظ صلح و مواظب باشی به دینت لطمه و آسیب نرسد بلکه بر ایمانت افزوده گردد و بدان کسانی که از صابران جمهوری اسلامی و گردانندگان واقعی آن انتقاد کنند با هر لحن و زبانی که باشد مطمئن باش که اینان دشمن واقعی و خطرناک اسلام و انقلاب اسلامی و رهبری و امام عزیز می باشند و یا این که ممکن است دوست کم عقل و نا آگاه باشند.

در هر صورت از آنها بر حذر باش و در دین و عاقبت زندگی خود خوف داشته باش.

همسر و وصیت می کنم اگر فرزندانم پسر بود اسمش را حسین بگذارید؛ زیرا مسئولیت حسینی دارد و باید بار حسینیان را بردوش کشد، حسین وار زندگی کند و حسین وار بمیرد و اگر دختر بود اسمش را زینب بگذارید؛ زینب گونه فریاد بزند و زینب گونه بمیرد و از حضرت زینب و مظلومیت شهدای کربلای امام حسین (ع) و ایران برایش لالایی بگو، برایش بگو حضرت زینب(س) خود شهدای کربلا را دفن می کرد، یتیمان و کودکان را خود سرپرستی می کرد و خود شعار پیروزی خون بر شمشیر را فریاد زد. بگو پیامبر کربلای خونین و عاشورای سرخ گون امام حسین (ع) حضرت زینب(س) بود که بعد از شهدای کربلای امام حسین (ع) بنای کاخ های ظلم و جور یزیدیان را فروریخت.

مسائل ذیل را توصیه می کنم:

- از همه برایم طلب عفو کن و بالاخص اقوام نزدیک که با آنها خیلی رفت و آمد داشته ایم.
- نماز و روزه قضا قریب به ۵ ماه و شاید بیشتر باشد.
- مخارج مراسم را از اموال شخصی ام برداشت کنید.
- در قبرستان جزینک دفن کنید و بر روی سنگ قبرم چیز اضافی غیر از اسم و عرف معمولی چیزی ننویسید.
- تشریفات ساده باشد از کسی تسلیت قبول نکنید و با روحیه باشید.
- فقط برایم چهلم بگیرید.
- وسایل نظامی اگر خانه باشد تحویل سپاه دهید تا برادرانم در جنگ به کار ببرند.
- سکه ها را هر طور سلاح می دانی خرج کن (سکه های عیدی)
- مبلغ دوازده هزار تومان به لشکر و سی هزار تومان به سپاه و کمتر از پنجاه هزار تومان به صندوق قرض الحسنه بقیه الله کرمان بدهکارم.
- کتبم از آن برادرانم است. هر طور صلاح می دانند استفاده کنند.
- وصیت نامه معتبر و قابل استفاده است.

«حقیرالی ا...، همسرت قاسم»